

با باطل، بلافاصله بعد از واقعه کربلا یک رشته قیامهای شیعی آغاز شد که تا میانه سده سوم هجری ادامه یافت و موجب گسترش تشیع گردید.

هرچند انشعابی که در میان شیعیان روی داد، آنان را پراکنده ساخت، ولی همین عامل به ظاهر منفی به عامل مثبتی برای رواج مذهب شیعه تبدیل شد و پراکنده شدن فرق شیعه در شرق و غرب قلمرو مسلمانان موجبات گسترش تشیع را فراهم کرد. مذهب تشیع با همه فشارها و محدودیتهایی که تحمل کرد به حیات خود ادامه داد و طی دو و نیم سده در سایه رهبری پیشوایان شیعی متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگ شیعی گسترش یافت، به نحوی که در پایان سده سوم شیعیان بر بخش وسیعی از سرزمینهای اسلامی فرمانروایی یافتند.

برخورد خشونت آمیز امویان و عباسیان با علویان که از میانه سده اول هجری آغاز گردید، سبب شد که شیعیان برای مقابله دو روش متفاوت در پیش گیرند. شیعه امامیه فعالیتهای علمی و فرهنگی گسترده‌ای را نهانی آغاز کرد. فعالیتهای علمی و تبلیغی دوره امامت امام محمد باقر علیه السلام (۹۶ - ۱۱۴ ق)، امام جعفر صادق علیه السلام (۱۱۴ - ۱۴۸ ق) و امام موسی کاظم (۱۴۸ - ۱۷۳ ق) و تربیت شاگردان باعث گسترش تشیع در سرزمینهای اسلامی گردید. از طرف دیگر چون خلفای عباسی شدیداً پیشوایان

قیامها و حکومت‌های شیعی در سده سوم هجری

مهدی جلیلی

دانشیار دانشکده الهیات مشهد

درآمد

واقعه کربلا نقطه عطفی است در تاریخ تشیع. گرچه مذهب شیعه همزمان با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکل گرفت و ابوذر، سلمان، مقداد و عمار یاسر نخستین شیعیان علی علیه السلام در دوران زندگی پیامبر بودند، ولی یادآوری از خودگذشتگی و فداکاری امام حسین علیه السلام برای دفاع از حق در محرم سال ۶۱ هجری و مصائب و رنجهایی که در این راه متحمل شدند، عامل اصلی گسترش تشیع در طول تاریخ بوده است. قیام امام حسین علیه السلام معیاری شد برای مبارزه حق

شیعه امامیه را تحت نظر داشتند و چندین بار آنان را زندانی کرده یا از مدینه به مرکز خلافت

مذهب تشیع با همه فشارها و محدودیتهایی که تحمل کرد به حیات خود ادامه داد و طی دو و نیم سده در سایه رهبری پیشوایان شیعی متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی شیعی گسترش یافت

احضار نمودند، آنان سازمان وکالت را تأسیس کردند و بخشی از وظایف خود را به وکلا واگذار نمودند تا دور از چشم خلفای عباسی رسالت خود را به انجام رسانند.^۱ وکلا با گردآوری وجوهات و به مصرف رساندن آنها و پاسخگویی به شبهات دینی و ترویج تشیع به اداره امور شیعیان پرداختند.

زیدیان روش مبارزه نظامی را در پیش گرفتند و با قیام به شمشیر یک رشته قیامهای علوی از میانه سده دوم هجری در عراق، ایران حجاز، یمن و مصر آغاز شد که تا اواخر سده سوم هجری ادامه یافت. این قیامها باعث گسترش تشیع در سرزمینهای یاد شده گردید. رواج مذهب تشیع در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری علویان را امیدوار کرد که پیروزیهای بیشتری کسب نمایند.

زیدیها که در دوره خلافت هارون به پیروزی

رسیدند و اولین دولت شیعی را به نام ادرسیها به سال ۱۷۲ ق در مغرب اقصی تشکیل دادند،^۲ در صدد برآمدند از ناآرامیهایی که در پی قتل امین به وجود آمده بود بهره برداری کنند. ابوالسرایا در اوایل خلافت مأمون به سال ۱۹۹ ق در کوفه قیام کرد. او با همکاری زیدیهها و برخی فرق دیگر از جمله پیروان احمد بن موسی الکاظم و سبطیه پیروان محمد بن جعفر الصادق با بعضی از امامیه بدون موافقت امام هشتم علیه السلام قیام کرد.^۳ ابن طباطبا که رهبر روحانی این قیام بود، مردم را به الرضا من آل محمد علیهم السلام دعوت می کرد.^۴ ابوالسرایا که رهبری عملیات نظامی را عهده دار بود طی چند جنگ لشکر عباسیان را شکست داد.^۵ او شهرهای کوفه، مداین و واسط را گرفت. حسین افطس را امیر مکه کرد و او را امیر الحاج قرار داد. ابن طباطبا رهبر روحانی قیام با برخی از کارهای ابوالسرایا مخالف بود. بدین لحاظ ابوالسرایا او را مسموم کرد و محمد بن محمد بن زید را که کودک خردسالی بود به جای او برگزید و ابوالسرایا

۱ - بنگرید به: جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۴ به بعد.

۲ - ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۱۵ - ۲۳.

۳ - بنگرید به: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۰۲ - ۳۱۰.

۴ - ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۱۰.

۵ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۲ - ۷۳.

۶ - الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۰۲.

۷ - بنگرید به: همان، ج ۶، ص ۳۰۴ - ۳۱۰.

قدرت را به دست گرفت.^۱ او ایالت یمن را به ابراهیم بن موسی بن جعفر و فارس را به اسماعیل بن موسی بن جعفر و اهواز و بصره را به زید بن موسی بن جعفر واگذار کرد.^۲ ابوالسرایا به سال ۲۰۰ ق بعد از چند جنگ پی در پی شکست خورد و کشته شد.^۳

صادق اسیر شد، ولی پیروان او تسلیم نشدند و حجاز و یمن در تصرف علویان باقی ماند.^۴

مأمون که از لحاظ نظامی موفقیتی کسب نکرد درصدد برآمد برای خنثی کردن فعالیت علویان حجاز و انشعاب در میان آنان امام رضا علیه السلام را به ولایتعهدی انتخاب کند. او به سال ۲۰۰ ق رجاء بن ابی ضحاک و یاسر خادم را به مدینه فرستاد تا علی بن موسی الرضا علیه السلام را به مرو بیاورند.^۵ مأمون در ابتدا وانمود کرد که قصد دارد خلافت را به امام هشتم واگذار کند و چون امام نپذیرفتند ولایتعهدی را پیشنهاد کرد. ایشان که مجبور به پذیرش ولایتعهدی شدند، تحت شرایطی آن را پذیرفتند.^۶

در اینکه انگیزه یا انگیزه‌های مأمون از انتخاب علی بن موسی الرضا علیه السلام به عنوان ولایتعهدی چه بوده اختلاف است. به گفته مسعودی و ابن اثیر مأمون هیچ‌کس را در میان عباسیان و علویان برای خلافت شایسته‌تر از علی بن موسی الرضا ندید.^۷ ابن خلدون گوید:

زیس‌دیان روش مسبارزه نظامی را در پیش گرفتند و با قیام به شمشیر یک رشته قیامهای علوی از میانه سده دوم هجری در عراق، ایران حجاز، یمن و مصر آغاز شد که تا اواخر سده سوم هجری ادامه یافت. این قیامها باعث گسترش تشیع در سرزمینهای یاد شده گردید

علویانی که بر حجاز و یمن حاکم بودند، بعد از مرگ ابوالسرایا با محمد بن جعفر صادق در ربیع‌الاول سال ۲۰۰ ق بیعت کردند.^۸ محمد بن جعفر مدعی شد که قائم مهدی است، ولی امام هشتم منکر ادعای او شدند.^۹ انتصاب خلیفه علوی در مکه قدرت مأمون را تهدید می‌کرد. بدین لحاظ او برای حل مشکل وارد عمل شد. از جنبه نظامی مأمون لشکری به فرماندهی عیسی بن جلودی به مدینه فرستاد. این لشکر از محمد بن جعفر صادق شکست خورد. جنگ دیگر در اواخر سال ۲۰۰ ق رخ داد که محمد بن جعفر

۱- همان، ج ۶، ص ۳۰۵.

۲- همان.

۳- همان، ج ۶، ص ۳۰۹-۳۱۰.

۴- همان، ج ۶، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۵- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۴.

۶- همان، ص ۷۴-۷۵؛ الکامل فی التاريخ، ج ۶، ص ۳۱۲-۳۱۳.

۷- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۴۱؛ الکامل فی التاريخ، ج ۶، ص ۳۱۹.

۸- صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۷۹-۳۸۰.

۹- مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۴۱؛ الکامل فی التاريخ، ج ۶،

چون به کثرت شیعیان و دعوتهای گوناگون ایشان نگرست و خود نیز در باره علی بن ابی طالب و سبطین علیهما السلام نظری نزدیک به نظر آنان داشت امام رضا علیه السلام را به سال ۲۰۱ ق به ولایتعهدی خویش برگزید.^۱ انگیزه‌های دیگری که برای ولایتعهدی علی بن موسی الرضا علیه السلام ذکر شده عبارت است از: تحکیم موقعیت مأمون و خلافت عباسی، کاهش محبوبیت علویان در انظار مردم، ارضای افکار عمومی شیعیان که او را در غلبه بر امین یاری کرده بودند و فرونشاندن شورشهای علویان.

با انتصاب علی بن موسی الرضا علیه السلام به ولایتعهدی، مأمون موفق شد در میان علویانی که قیام کرده بودند انشعاب به وجود آورد و سرانجام بر آنان غلبه یابد.^۲ مأمون بعد از آنکه موفق شد قیامهای علویان را سرکوب کند به سوی بغداد حرکت کرد و به سال ۲۰۳ ق در طوس امام رضا علیه السلام را مسموم کرد و در سال ۲۰۴ ق وارد بغداد شد. سیاست مأمون بعد از شهادت امام هشتم آن بود که حمایت شخصیت‌های برجسته علوی و کشاورزان عراق را از فعالیتهای انقلابی علویان قطع کند. بدین لحاظ قبل از ورود به بغداد بخشی از مالیات مردم ری را بخشید.^۳ دو میلیون درهم به امام جواد علیه السلام پرداخت و دختر خود ام الفضل را به عقد ازدواج ایشان درآورد.^۴ فدک را به محمد بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام و محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن

حسین علیه السلام تحویل داد،^۵ ولی درخواست مردم قم را در مورد کاهش مالیات نپذیرفت و چون مردم قم قیام کردند مالیات را به هفت برابر افزایش داد.^۶ در دوران امامت امام جواد علیه السلام نیز محدودیتهایی که از جانب خلفای عباسی برای امامان شیعه وضع شده بود، ادامه یافت و در سال ۲۰۴ ق امام جواد علیه السلام از مدینه به بغداد احضار شدند.^۷ در اینکه آیا امام جواد علیه السلام در فاصله سالهای ۲۰۴ تا ۲۱۸ در بغداد بوده‌اند یا در مدینه اختلاف است.^۸ محدودیتهایی که حکام عباسی در مورد امام جواد علیه السلام اعمال می‌کردند فعالیت‌های تبلیغی امام را کاهش می‌داد. در عین حال ایشان از طریق وکلای خود به اداره امور شیعیان می‌پرداختند^۹ و به پرسشهای شیعیان پاسخ می‌گفتند. امام جواد با تشکیل مجالس مناظره که بخشی از آن به پیشنهاد شیعیان و

→ ص ۳۲۶.

- ۱- تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۱.
- ۲- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۶.
- ۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۸۷-۴۹۷؛ یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۴۷۱.
- ۴- الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۹۹.
- ۵- یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۴۷۳؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۷، به نقل از: عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۸.
- ۶- یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۴۹۳.
- ۷- الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۹۹.
- ۸- رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ج ۲، ص ۱۱۶.
- ۹- همان، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۹.
- ۱۰- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۸-۸۱.

بخشی دیگر به پیشنهاد مأمون و معتصم بود به نشر معارف شیعی پرداختند. برخی از این مناظرات در کتاب تحف العقول آمده است. امام جواد به سال ۲۲۰ ق در زمان خلافت معتصم در ۲۵ سالگی^۲ به شهادت رسیدند.

با به خلافت رسیدن متوکل که دوره دوم خلافت عباسی آغاز شد، مشکلات متعددی برای شیعیان به وجود آمد

دوران امامت امام هادی (۲۲۰ - ۲۵۴ ق) مصادف بود با دوران خلافت شش خلیفه عباسی به نامهای معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز. به گفته نوبختی یاران و پیروان امام جواد علیه السلام پس از وی به امامت پسر و جانشین او علی بن محمد علیه السلام قائل شدند، جز شماری چند که از پیروی وی سر برتافته به برادرش موسی بن محمد روی نهادند، ولی پس از چندی دوباره امامت علی بن محمد علیه السلام را پذیرفتند.^۳

در دوازده سال اول دوره امامت امام هادی که مصادف با خلافت معتصم و واثق بود، شیعیان موقعیتی همانند دوره مأمون داشتند و بنا به بعضی از روایات طالبی‌ها کمکهایی نیز دریافت می‌کردند.^۴

با به خلافت رسیدن متوکل که دوره دوم

خلافت عباسی آغاز شد، مشکلات متعددی برای شیعیان به وجود آمد. متوکل با جانبداری از اهل سنت و جماعت با معتزله به مبارزه پرداخت. او به شدت نسبت به علی علیه السلام و اهل بیت او کینه می‌ورزید. متوکل عبدالملک بن زیات را که گرایشهای شیعی داشت از وزارت عزل کرد و افرادی را که تمایلات ضد شیعی داشتند؛ مانند علی بن جهم شامی، عمرو بن فرخ رنجی و ابوالسمط که از هواخواهان بنی امیه و وابسته به آنها بودند و عبدالله بن محمد بن داوود هاشمی معروف به ابن اترجه به خدمت گرفت. پیامد نزدیک شدن دشمنان علویان به خلیفه عباسی یک رشته اقداماتی بود که به پیشنهاد مشاوران و دستور متوکل به مرحله اجرا درآمد که عبارتند از:

۱ - توهین به علویان. بنا به گفته ابن اثیر یکی از دلکهای متوکل در مجلس بزم او آشکارا به حضرت علی علیه السلام توهین می‌کرد. این عمل مورد اعتراض پسر او منتصر قرار گرفت و حتی به موجب بعضی از روایات علت قتل متوکل همان

۱ - حسن بن علی بن حسین حرانی، تحف العقول، ص ۴۷۳ - ۴۷۸.

۲ - مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۶۴. مسعودی، شهادت امام جواد علیه السلام را به سال ۲۱۹ ق ثبت کرده است. (مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۶۵).

۳ - نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۳۳ - ۱۳۴.

۴ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۱.

۵ - محمد حسین مظفر، تاریخ شیعه، ص ۱۲۴؛ الکامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۵۶.

توهین‌ها بود.^۱

۲- ویران کردن مرقد امام حسین علیه السلام به سال ۲۳۶ ق و جلوگیری از زیارت مرقد مطهر آن حضرت.^۲

۳- تعقیب، بازداشت و دستگیری بعضی از شیعیان. برخی از وکلای امام در بغداد، مداین، کوفه و سواد تحت شکنجه درگذشتند و عده‌ای را نیز به زندان افکندند.^۳

در سال ۲۳۶ ق به دستور متوکل، علویان از مصر اخراج شدند و نخست به عراق تبعید شدند و سپس از عراق به مدینه اعزام گردیدند.^۴ او یحیی بن عمر علوی را به زندان انداخت.^۵ عیسی بن جعفر را که از ابوبکر، عمر، عایشه و حفصه بدگویی کرده بود به دستور متوکل آن قدر زدند تا جان سپرد و جسدش را به دجله افکندند.^۶ این سکیت معلم پسران متوکل از علمای نحو به سال ۲۴۴ ق به جرم دوستی امام حسن و امام حسین علیهما السلام به دستور متوکل به شهادت رسید.^۷ همچنین به دستور متوکل فشارهای اقتصادی بر علویان تحمیل شد.^۸ او دستور داد فدک را از علویان بازگیرند.^۹

۴- احضار امام هادی علیه السلام از مدینه به عراق و تحت نظر گرفتن ایشان به سال ۲۳۳ ق.

۵- متوکل طی دستور العملی^{۱۱} به استانداران از جمله حاکم مصر دستور داد با علویان بر اساس قواعد زیر برخورد شود:

- به هیچ یک از علویان ملکی^{۱۲} داده نشود یا اجازه اسب سواری یا خارج شدن از فسطاط

اعطا نگردد.

- به هیچ یک از علویان جواز بیش از یک بنده داده نشود.

- چنانچه اختلافی میان فردی علوی و غیر علوی رخ داد، سخن غیر علوی پذیرفته شود و از او دلیل خواسته نشود.^{۱۳}

به رغم همه محدودیتها و فشارهایی که

- ۱- الکامل فی التاریخ، ج ۱۷، ص ۵۵-۵۶.
- ۲- طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۱۱، ص ۱۴۰۷؛ الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۵۵.
- ۳- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۳.
- ۴- تاریخ شیعه، ص ۲۶۲.
- ۵- تاریخ الرسل و الملوک، ج ۱۱، ص ۱۴۰۳-۱۴۰۴.
- ۶- الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۷۹.
- ۷- ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۶، ص ۳۹۶.
- ۸- باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۸۱.
- ۹- محمد باقر صدر، فدک در تاریخ، ص ۳۶.
- ۱۰- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۰۹.
- ۱۱- کندی (ولاه مصر، ص ۲۰۳) این دستور العمل را به منتصر نسبت می‌دهد. مقریزی نیز به نقل از کندی صدور این دستور العمل را در زمان منتصر می‌داند (بنگرید به: تاریخ شیعه، ص ۲۶۴). ولی با توجه به رفتاری که منتصر نسبت به علویان در پیش گرفت و همچنین با توجه به اینکه دوره زمامداری منتصر چندماهه پیش نبود، همان‌طور که مؤلف تاریخ شیعه متذکر شده‌است، این دستور العمل با شیوه و رفتار او با علویان سازگار نیست. بنابراین دستور العمل باید در زمان متوکل صادر شده باشد.
- ۱۲- در تاریخ شیعه (صفحه ۲۶۴) به جای این عبارت، چنین آمده است: «هیچ علوی نباید پیشه و صنعتی را قبول کند».
- ۱۳- کندی، ولایة مصر، ص ۲۳۰.

مرقد امام حسین علیه السلام رفت و در آنجا تصمیم خود را آشکار کرد و گروهی از زیدیان دعوت او را پذیرفتند. یحیی بن عمر بیت‌المال و زندان شهر کوفه را در اختیار گرفت. والی بغداد محمد بن عبدالله طاهر یکی از بستگان خود را مأمور دفع یحیی کرد. یحیی چندبار نیروهای محمد بن عبدالله طاهر را شکست داد، اما سرانجام او کشته شد و سرش را برای مستعین به سامره فرستادند.

فعالیت‌های تبلیغی علویان مصر و قیامهای علوی که در اواسط قرن سوم هجری در عراق و ایران روی داد باعث تحرک و جنبش شیعیان مصر شد

از اوایل^۹ خلافت عباسیان مذهب زیدی در مصر نیز رواج یافت. محمد نفس زکیه پسر خود

متوکل در مورد علویان اعمال کرد، مذهب تشیع همچنان در حال گسترش بود. شیعیان از طریق وکلا یا امام هادی علیه السلام در ارتباط بودند.^۱ و خمس و نذر و هدیه از نمایندگان خود در قم و آبادیهای اطراف آن دریافت می‌داشتند.^۲ پیامد این ارتباطات آن بود که خلیفه عباسی احساس کرد توطئه‌ای علیه او در حال شکل گرفتن است، به‌ویژه آنکه به متوکل گزارش شده بود که در منزل امام هادی «سلاح و نامه‌ها و چیزهای دیگر از شیعه او هست». متوکل دستور داد شبانه و ناگهانی بر منزل ایشان هجوم برند و چون چیزی نیافتند، ایشان را نزد متوکل بردند، اما سرانجام امام آزاد شدند.^۳

در دوره خلافت چند ماهه منتصر وضعیت شیعیان بهتر شد. او دستور داد از خاندان ابوطالب دست بدارند و در تعقیب ایشان نباشند و کسی را از زیارت مرقد امام حسین علیه السلام و دیگر قبور آل ابی‌طالب منع نکنند.^۴ منتصر همچنین دستور داد اوقاف و املاک علویان را که غصب شده بود به آنان برگردانند و فدک را هم به اولاد امام حسن و امام حسین علیه السلام واگذار کرد.^۵

در دوران امامت امام هادی چند قیام علوی در حجاز، ری و قزوین و کوفه روی داد.^۶ یکی از مهمترین این قیامها، قیام یحیی بن عمر طالبی در کوفه بود که در دوره خلافت مستعین به سال ۲۴۸ و یا ۲۵۰ ق روی داد. یحیی که از محبوبیت زیادی برخوردار بود مردم را به «الرضا من آل محمد علیهم السلام» دعوت می‌کرد.^۸ او نخست به زیارت

- ۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۵.
- ۲- بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۸۵.
- ۳- مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۰۲-۵۰۳.
- ۴- همان، ج ۲، ص ۵۴۲؛ الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۱۶.
- ۵- مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۴۲؛ الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۱۶.
- ۶- مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۵۸، ۵۷۸، ۵۸۱-۵۸۲.
- ۷- همان، ج ۲، ص ۵۵۳.
- ۸- الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۲۷.
- ۹- بنگرید به: مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۵۳-۵۵۷؛ الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۲۶-۱۲۹.

علی را برای تبلیغ به مصر فرستاد.^۱ او نخستین علوی است که به مصر آمد و بسیاری از مردم با او بیعت کردند.^۲ فشارهایی که در نیمه اول قرن سوم هجری بر علویان عراق و حجاز وارد شد، باعث گردید که تعدادی از علویان به مصر کوچ کنند. فعالیت‌های تبلیغی علویان مصر و قیام‌های علویی که در اواسط قرن سوم هجری در عراق و ایران روی داد باعث تحرک و جنبش شیعیان مصر شد.

به سال ۲۴۸ که مستعین به خلافت رسید دوباره سرکوبی علویان آغاز شد. به گفته کندی در همین سال فردی علوی به نام محمد بن علی بن حسن معروف به ابی خُدزری مردم را به مذهب تشیع دعوت کرد و جمعی به او گرویدند. والی مصر دستور داد خانه او را به آتش کشند و او و جمعی از علویان به عراق تبعید شدند.^۳ طی سالهای ۲۵۰ و ۲۵۱ نیز تعداد از علویان از مصر اخراج شدند.^۴ به سال ۲۵۲ عبدالله بن احمد بن محمد معروف به ابن ارقط در مصر قیام کرد و چون شکست خورد به سال ۲۵۳ دستور تبعید او صادر شد.

ابن ارقط فراری بود تا اینکه به سال ۲۵۵ ق دستگیر شد و به عراق تبعید گردید.^۵

بعد از رحلت امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری به سال ۲۵۴ ق عهده‌دار امامت شدند. دوران امامت امام یازدهم پنج سال و هشت ماه و پنج روز بود.^۶ بیشتر شیعه امامیه بعد از رحلت امام هادی علیه السلام با امام حسن عسکری علیه السلام بیعت

کردند. تعدادی نیز به امامت محمد، پسر امام هادی که در زمان حیات ایشان رحلت کرده بود گرویدند و گفتند او نمرده است. برخی نیز به جعفر بن علی، برادر امام حسن عسکری علیه السلام گرویدند.^۷

سیاست محدودیت و تحت نظر بودن ائمه از سوی خلفای عباسی در دوره امامت امام حسن عسکری علیه السلام ادامه یافت و ایشان ملزم بودند که روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته در کاخ خلیفه در سامرا حاضر شوند.^۸ قم در دوره امامت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام یکی از مراکز مهم علمی شیعه به شمار می‌رفت. در این شهر راویان این دو امام زیاد بودند و تعدادی از مؤلفان حدیث و دیگر علوم اسلامی از همین سرزمین برخاسته‌اند.^۹ در سامره و حوالی آن شمار فراوانی از شیعیان زندگی می‌کردند و در بغداد، مداین، و کوفه نیز تعدادی از شیعیان ساکن بودند.^{۱۰} نامه‌هایی که امام حسن عسکری علیه السلام به نمایندگان خود در خراسان نوشته‌اند حاکی از

۱- همان، ج ۵، ص ۵۲۲.

۲- تاریخ شیعه، ص ۲۶۲.

۳- ولایة مصر، ص ۲۲۹.

۴- همان، ص ۲۳۰.

۵- همان، ص ۲۳۲ - ۲۳۴.

۶- فرق الشیعه، ص ۱۳۹.

۷- همان، ص ۱۳۷ - ۱۳۹.

۸- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۷.

۹- تاریخ شیعه، ص ۱۳۲.

۱۰- همان.

گسترش تشیع در این منطقه است.^۱

در دوره امامت امام یازدهم سه تن از علویان در مصر قیام کردند. احمد بن ابراهیم بن عبدالله بن طباطبا معروف به بغای اکبر به سال ۲۵۴ ق در صعید مصر قیام کرد و شکست خورد. به سال ۲۵۵ ق احمد بن محمد بن عبدالله بن طباطبا معروف به بغای اصغر بین اسکندریه و برقه در محلی به نام کنائس قیام کرد.^۲ او ادعای خلافت داشت و گروه زیادی به او گرویدند. ابن طولون سپاهی به جنگ او فرستاد و بغای اصغر در همان سال کشته شد.^۳ ابراهیم بن محمد بن یحیی بن عبدالله معروف به ابن صوفی نیز در صعید مصر قیام کرد و جمعی به او گرویدند. ابن طولون به سال ۲۵۶ ق سپاهی به جنگ ابن صوفی فرستاد.

در این جنگ ابن صوفی پیروز شد.^۴ جنگ میان ابن صوفی و ابن طولون تا سال ۲۵۹ ق ادامه یافت. سرانجام ابن صوفی شکست خورد و به مکه گریخت. ابن صوفی را در مکه دستگیر کردند و به مصر آوردند. ابن طولون مدتی او را به زندان فرستاد و سپس آزاد کرد.^۵

قیامهای علوی که در قرن سوم هجری در مصر روی داد به گسترش تشیع انجامید و شیعیان مصر را برای اظهار عقاید خود جسور ساخت.^۶ قیام صاحب الزنج که به سال ۲۵۵ ق در کوفه آغاز شد و حدود پانزده سال ادامه یافت مشکلات زیادی برای عباسیان به وجود آورد. امام حسن عسکری علیه السلام انتساب او را به علویان مردود شمرده فرمودند: «صاحب زنج از ما اهل بیت نیست»^۷ ولی او خود را علوی می دانست و

نسب نامه‌ای علوی برای خود ساخته بود.^۱ سرداران و مشاوران صاحب الزنج ایرانی بودند، ولی بیشتر سپاهیان‌ش سیاه‌پوست بودند که برای مبارزه با تبعیض نژادی و آزادی بندگان گرد او جمع شده بودند.^{۱۱} خلفای عباسی قیام صاحب الزنج را که تا ده سال بعد از آغاز غیبت صفری ادامه یافت به علویان متصل می دانستند^{۱۲} و برای سرکوب آن همه امکانات خود را بسیج کردند. قیام صاحب الزنج در حجاز، عراق و جنوب ایران گسترش یافت. خلیفه عباسی معتمد برادر خود موفق را مأمور سرکوبی صاحب الزنج کرد و با کشته شدن او به سال ۲۷۰ ق زنگیان نیز پراکنده شدند.^{۱۳}

با رحلت امام حسن عسکری علیه السلام به سال

- ۱- بنگرید به: طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۷۵-۵۸۱.
- ۲- ولایة مصر، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ تاریخ شیعه، ص ۲۶۶.
- ۳- ولایة مصر، ص ۲۳۹؛ تاریخ شیعه، ص ۲۶۶.
- ۴- الکامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۲۱۷.
- ۵- ولایة مصر، ص ۲۳۹؛ تاریخ شیعه، ص ۲۶۶.
- ۶- کندی در کتاب ولایة مصر صفحه ۲۴۰، آغاز دعوت او را به سال ۲۵۳ ق می داند.
- ۷- بنگرید به: ولایة مصر، ص ۲۴۰؛ الکامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۲۳۸-۲۳۹.
- ۸- بنگرید به: ولایة مصر، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ الکامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۲۶۳-۲۶۴.
- ۹- بنگرید به: تاریخ شیعه، ص ۲۶۷.
- ۱۰- تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۶۲.
- ۱۱- الکامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۲۰۵ به بعد؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۹۵.
- ۱۲- الکامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۲۰۵-۲۰۶.
- ۱۳- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۷۵.

ارتباط شیعیان با امام از طریق نواب اربعه یا سفرای چهارگانه بود که پرسشهای شیعیان را به محضر امام می‌بردند و پاسخ آن را با توقیع آن حضرت دریافت می‌کردند.^۹ نواب اربعه در بغداد سکونت داشتند و مدفن همه آنها در همان‌جا قرار دارد. در دوره غیبت صغری فعالیت‌های علمی شیعه امامیه به‌ویژه در دو شهر قم و بغداد افزایش یافت.^{۱۰} وجود وکلای امام دوازدهم در زمان نخستین سفیر در مصر، حجاز، یمن، آذربایجان، قم، دینور، ری و خراسان حاکی از گسترش مذهب شیعه امامیه در مناطق یاد شده است.^{۱۱}

دولت‌های مستقل علوی در قرن سوم هجری

الف - اداریسیها (۱۷۲ - ۳۶۳ ق)

مؤسس دولت اداریسیها که در مغرب اقصی تشکیل شد، ادیس بن عبدالله بن حسن بود. او

۱ - بنگرید به: الکامل فی التاریخ، ج ۷، حوادث سالهای ۲۵۵ تا ۲۷۰ ق؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۹۵، ۶۰۵ - ۶۰۷؛ حسینعلی ممتحن، نهضت صاحب الزنج، ص ۳۰۲ - ۳۲۷.

۲ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۰۲.

۳ - تاریخ شیعه، ص ۱۳۶.

۴ - فرق الشیعه، ص ۱۳۹ - ۱۵۷.

۵ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۱۳.

۶ - همان.

۷ - تاریخ شیعه، ص ۱۲۷.

۸ - همان، ص ۱۳۸.

۹ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۵۱ - ۱۵۵.

۱۰ - ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۸، ۱۵.

۱۱ - همان، ج ۳، ص ۱۶.

۲۶۰ ق دوره غیبت صغری آغاز شد. به علت فشاری که از سوی خلفای عباسی اعمال می‌شد، امام حسن عسکری آشکارا جانشین خود را معرفی نکردند و فقط بعضی از خواص و بستگان آن حضرت موفق به دیدار امام قائم علیه السلام شدند. از این رو پس از رحلت امام یازدهم درباره جانشین ایشان میان شیعه امامیه اختلاف افتاد و چندین فرقه تشکیل شد.^۲ دکتر جاسم حسین سه عامل را موجب پراکندگی شیعه امامیه بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام می‌داند.^۳ گذشت زمان، اختلاف میان فرق شیعه امامیه را محور کرد و در قرن چهارم هجری فقط شیعه اثنی عشری باقی ماند.^۴ برای غیبت صغری امام دوازدهم ادله‌ای چند ذکر شده که ما به نقل سه دلیل به شرح زیر اکتفا می‌کنیم:

۱ - از امام صادق روایت شده است که فرمودند قائم قبل از قیام دو غیبت دارد؛ زیرا از کشته شدن هراسان است.^۵

۲ - به نقل از امام دوازدهم روایت شده که آن حضرت سه یکی از یارانشان فرمودند که نیاکانشان همگی به ظاهر بیعت حاکمان زمان را به گردن داشتند، اما او خود را مخفی ساخته تا قیام مسلحانه کند و بیعت هیچ حاکم جورری را بر گردن نخواهد داشت.^۶

۳ - غیبت صغری امتحانی است که خداوند بندگان خود را در معرض آن قرار داده تا مشخص شود چه کسی ثابت قدم و استوار بر تشیع و امامت امام دوازدهم باقی می‌ماند.^۷

در دوره غیبت صغری (۲۶۰ - ۳۲۹ ق)

که از واقعه فسخ نجات یافته بود نخست به مصر رفت و با همکاری واضح که یکی از شیعیان و مأمور برید آنجا بود به مصر گریخت. ادریس در سال ۱۷۰ یا ۱۷۲ ق با غلامش راشد به ولسلی وارد شد و قبیله بربر او را پناه داد. به تدریج دیگر قبایل بربر به او گرویدند و به نشر دعوتش پرداختند.^۱ فعالیتهای تبلیغی ادریس سبب شد که تعدادی از قبایل بربر که مجوسی، یهودی و نصرانی بودند، اسلام را پذیرفتند.^۲ بر اثر تبلیغات ادریس و گسترش مذهب زیدی دعوت خوارج در مغرب اقصی منقطع گردید و نام عباسیان از خطبه حذف شد.^۳ هارون خلیفه عباسی که از سوی ادریس نگران بود، اولاً ابراهیم بن اغلب را والی افریقیه کرد تا با ادریسیها به مقابله بپردازد. او سلسله مستقل اغلبیها را در افریقیه یا تونس فعلی تشکیل داد. ثانیاً هارون برای از میان برداشتن ادریس فردی به نام شماخ را مأمور کرد که او را بکشد. شماخ به سال ۱۷۵ ق ادریس را مسموم کرد و گریخت.^۴

دولت ادریسی نخستین دولت علوی است که در مغرب اقصی یا مراکش فعلی تأسیس شد. ادریس اول به سال ۱۷۴ ق شهر تلمسان در غرب الجزایر را گشود و مسجدی در آنجا بنا کرد. منبر این مسجد که نام ادریس بر آن حک شده بود تا زمان ابن خلدون (۸۰۸ ق) باقی بوده است.^۵ جامع قرویین که یکی از قدیمترین دانشگاههای اسلامی است به هزینه یکی از زنان ثروتمندی که از قیروان به مغرب اقصی کوچ کرد به سال

۲۴۵ ق در دوره زمامداری یحیی بن محمد ادریس ساخته شد. به سال ۳۰۰ ق قاطمیان فاس و بخشی از قلمرو ادریسیها را گشودند. ادریسیها تا سال ۳۶۳ ق بر بخشی از مغرب اقصی فرمانروایی داشتند و در این سال آخرین امیر ادریسی به قرطبه برده شد. ادریسیها سعی کردند عقاید شیعی را به صورت بسیار ضعیفی در مغرب رواج دهند.^۸

ب - علویان طبرستان

بخشی از سرزمین طبرستان به دلیل کوهستانی بودن از راه جنگ گشوده نشد. سیاست تبعیض نژادی بنی امیه مردم ایران به ویژه مردم طبرستان را به اعراب بدبین کرد و آنان را واداشت تا در برابر مسلمانان ایستادگی نمایند. علویان نیز که از سوی خلفای اموی و عباسی مورد تعقیب بودند، کوهستانهای طبرستان را پناهگاه خود قرار دادند، بدین سان آنان هم خود را نجات دادند و هم اینکه با تماس با مردم این ناحیه مذهب زیدی را گسترش دادند. اعتقاد زیدیه به قیام به سیف و دشمنی دیلمیان

۱ - همان، ج ۳، ص ۱۷.

۲ - همان، ج ۳، ص ۱۹.

۳ - همان، ص ۴۵.

۴ - ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۲۸.

۵ - مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۵۸ - ۵۵۹.

۶ - عبدالرفیع حقیقت، جنبش زیدیه در ایران، ص ۱۶۷.

۷ - همان، ص ۹۸.

۸ - بنگرید به: ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۶۰.

با خلفای اموی و عباسی سبب تداوم ارتباط مردم طبرستان با علویان گردید و مردم طبرستان که در برابر نیروی نظامی مسلمانان تسلیم نشده بودند با پذیرش مذهب زیدی بر موضع مخالف خود با عباسیان باقی ماندند.

حسن بن زید علوی مؤسس دولت علویان طبرستان به سال ۲۵۰ ق در زمان خلافت مستعین به قدرت رسید. این سلسله که اولین دولت علوی در ایران بود تا سال ۳۱۶ ق بر طبرستان فرمانروایی داشت.^۱

در دوره زمامداری علویان طبرستان فعالیتهای تبلیغی گسترده‌ای برای نشر مذهب تشیع آغاز شد. برخی از فرمانروایان این سلسله افرادی دانشمند و صاحب چندین اثر بودند.^۲ حسن بن زید به سبب اینکه دعوات و مبلغانی به اطراف فرستاد به نام داعی علوی معروف شد. علویان طبرستان زیدی مذهب بودند. قرائن و

شواهدی در دست است که پیش از تأسیس دولت علویان، مذهب امامیه در برخی از مناطق طبرستان رواج داشته است. بنا به گفته مجلسی شیعیان طبرستان با امام موسی بن جعفر علیه السلام ارتباط داشته‌اند.^۳ این ارتباط بعد از تشکیل دولت علویان نیز ادامه داشته است. بنا به نقل دکتر جاسم حسین، جاسوسان عباسی مکاتباتی را بین رهبر قیام‌کنندگان در طبرستان و برادر زاده‌اش به نام محمد بن علی خلف عطار که هر دو از یاران امام دهم بودند، کشف کردند.^۴

فرمانروایی حسن بن زید تا سال ۲۷۰ ق ادامه یافت. از حوادث مهم زمان او غلبه یعقوب بن لیث بر طبرستان بود.^۵ در دوره زمامداری

محمد بن زید (۲۷۰ - ۲۸۷ ق) موفق خلیفه عباسی سپاهی به جنگ او فرستاد که به شکست علویان انجامید. در جنگی که میان سامانیها و محمد بن زید رخ داد محمد شکست خورد و خلع گردید. حسن بن علی ملقب به اطروش به سال ۳۰۱ ق بر طبرستان غلبه یافت و به سال ۳۰۴ ق در جنگ با سامانیان کشته شد. سپس دامادش به نام حسن بن قاسم (۳۰۴ - ۳۱۶ ق) ملقب به داعی صغیر جانشین او شد.^۶

ج - بنی رسی در صعده

در نیمه اول قرن سوم هجری چند تن از علویان در یمن قیام کردند. دولت بنی رسی در نیمه دوم قرن سوم هجری در صعده که در شمال یمن قرار دارد تأسیس شد. نسب بنی رسی به حسین بن قاسم رسی بن ابراهیم طباطبا می‌رسد

۱ - ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۳۰.

۲ - بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۶۶.

۳ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۷.

۴ - بنگرید به: ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۳۱ - ۳۲.

۵ - همان، ج ۳، ص ۳۲.

۶ - همان، ج ۳، ص ۳۲ - ۳۹.

۷ - همان، ج ۳، ص ۱۱ - ۱۳.

۸ - همان، ج ۳، ص ۱۵۷.

۹ - سلسله‌های اسلامی، ص ۱۲۰. رس نام کوهی است در نزدیکی ذوالحلیفه در شش میلی مدینه. قاسم بن ابراهیم برادر ابن طباطبا در جبال قدس در اطراف مدینه ساکن بود. بعد از مرگ برادرش در سال ۱۹۹ ق دعوت خود را آشکار کرد (اعلام زرکلی، ج ۵، ص ۱۷۱) و به تبلیغ پرداخت، ولی علناً قیام نکرد (تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری، ص ۱۸۵ - ۱۸۶).

که امامان صعده در یمن از اولاد او می‌باشند.^۱ عنوان بنی رسی ظاهراً منشأ جغرافیایی داشته و از نام ایالتی در حجاز به نام الرّس که قاسم بر آن حکومت داشت گرفته شده است.^۲ بنی رسی توانستند در برابر خوارج، قمرطیان و دیگر کسانی که مخالف حکومت آنان بودند قدرت خویش را حفظ کنند. نخستین کسی که از این خاندان قیام کرد یحیی بن حسین بن قاسم رسی بود که او را الهادی الی الحق لقب دادند و در سال ۲۸۸ ق در حیات پدرش حسین با او بیعت کردند.^۳ او برای مدتی بر صنعا و نجران غلبه یافت و به نام خود سکه زد، ولی پس از چندی این سرزمینها را از دست داد و به صعده بازگشت و پس از ده سال فرمانروایی به سال ۲۹۸ ق درگذشت.^۴ ابن خلدون گوید:

«الهادی الی الحق را مصنفاتی در حلال و حرام بود و دیگری گوید او در احکام شرعی مجتهد بود و در فقه آرای غریبه دارد. تألیفاتش در میان شیعیان معروف است.»^۵ ابن ندیم نیز تألیفات دو تن از زمامداران بنی رسی را ذکر کرده است.^۶ بعد از الهادی الی الحق پسرش المرتضی ابوالقاسم محمد بن یحیی به حکومت رسید و تا سال ۳۱۰ ق حاکم صعده بود.^۷ بنی رسی تا قرن‌ها بعد بر بخشی از یمن فرمانروایی داشتند.

د - فاطمیان

فاطمیان از میانه سده دوم هجری فعالیت‌های تبلیغی خود را آغاز کردند.^۸ برخی در علوی بودن خلفای فاطمی تردید کرده‌اند.^۹ داعیان فاطمی در

اواخر قرن دوم هجری در شهرهای ایران به تبلیغ پرداختند و سپس سلمیه شام را پایگاه تبلیغی خود قرار دادند. فعالیت‌های تبلیغی فاطمیان در نیمه دوم قرن سوم هجری در مشرق، افریقه و یمن گسترش یافت.^{۱۰} امام اسماعیلی محمد الحیب که در سلمیه بود ابن حوشب را برای تبلیغ به یمن فرستاد. او بر بخشی از یمن غلبه یافت.^{۱۱} به سال ۲۸۰ ق ابو عبدالله شیعی مأمور تبلیغ در افریقه شد. او به سکه رفت و به اتفاق بربرهای کنامه که قبلاً داعیان اسماعیلی اسرار دعوت را به آنها آموخته بودند به افریقه وارد شد و به تبلیغ پرداخت.^{۱۲} بعد از شایع شدن خبر

۱ - ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۱۵۷.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۶۱.

۵ - بنگرید به: ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۱۵۷ - ۱۶۰؛

سلسله‌های اسلامی، ص ۱۱۸ - ۱۲۱.

۶ - بنگرید به: فیاض، تاریخ اسلام، ص ۲۴۰؛ فوق الشیعه، ص ۱۰۱ به بعد.

۷ - بنگرید به: الکامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۲۴ - ۲۷؛ ابن

خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۴۲.

۸ - ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۴۸ - ۳۵۴؛ تاریخ تنجیح در

ایران، ص ۲۰۷ - ۲۰۸.

۹ - الکامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۲۸ - ۳۱؛ ابن خلدون،

تاریخ، ج ۳، ص ۴۲ - ۴۳.

۱۰ - ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۴۳.

۱۱ - الکامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۳۱ - ۳۲؛ ابن خلدون،

تاریخ، ج ۳، ص ۴۳.

۱۲ - الکامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۳۷؛ ابن خلدون، تاریخ،

ج ۳، ص ۴۶ - ۴۷.

۱۳ - الکامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۳۷؛ ابن خلدون، تاریخ،

ج ۳، ص ۴۷.

دعوت فاطمیان، خلیفه عباسی المکتفی بالله فرمان دستگیری عبیدالله مهدی را که بعد از مرگ پدرش محمد الحبيب جانشین او شده بود، صادر کرد. عبیدالله از شام به عراق و از آنجا به مصر گریخت. عبیدالله پس از مدتی سرگردانی در فسطاط به سبب اینکه والی مصر در جست‌وجوی او بود یا به سبب آشوبهای اواخر دوره طولونیا در مصر، در صدد برآمد به افریقه برود. زیاده الله بن اغلب فرمانروای تونس به دستور خلیفه عباسی مأمور شد عبیدالله را دستگیر کند. او از افریقه به مغرب اقصی رفت و در شهر سجلماسه مورد استقبال یسع بن مدرار قرار گرفت. چون نامه زیاده الله بن اغلب یا خلیفه عباسی مبنی بر دستگیری عبیدالله به سجلماسه رسید، یسع او را دستگیر و زندانی کرد.^۱ ابو عبدالله شیعی بعد از شکست اغلیبها و آل رستم و گشودن افریقه و مغرب وسطی به مغرب اقصی رفت و یسع بن مدرار را شکست داد و عبیدالله مهدی را از زندان آزاد کرد و او را به رقاده آورد و در ربیع‌الاول سال ۲۹۷ ق مردم افریقه با عبیدالله مهدی بیعت کردند. بدین ترتیب فعالیت‌های تبلیغی فاطمیان که از نیمه دوم قرن دوم هجری آغاز شده بود در اواخر قرن سوم هجری به نتیجه رسید و دولت فاطمیان در شمال افریقا تأسیس شد. مرکز فرمانروایی این سلسله تا سال ۳۶۲ ق افریقه بود و سپس مقر خلافت آنان به مصر منتقل شد و تا سال ۵۶۷ ق که صلاح‌الدین ایوبی فاطمیان را منقرض کرد بر مصر غلبه داشتند.

خلاصه سخن آن که فعالیت‌های تبلیغی شیعه

امامیه در سده‌های دوم و سوم هجری، تشکیل دولت شیعی ادریسیها در نیمه دوم سده دوم هجری، قیام‌های زیدی که بیش از یک سده در عراق، حجاز، یمن، ایران و مصر ادامه یافت - با همه فشارها و سختگیری‌هایی که از سوی خلفای عباسی اعمال می‌شد - باعث ترویج مذهب تشیع گردید و زمینه تشکیل دولت‌های شیعی دیگری را فراهم کرد. در میانه سده سوم هجری دولت علویان طبرستان که دومین دولت شیعی بود در شمال ایران تشکیل شد. طی سالهای ۲۵۵ تا ۲۷۰ ق صاحب الزنج که خود را علوی می‌دانست بر حجاز، عراق و جنوب ایران غلبه یافت و مرکز خلافت را به مخاخره افکند. در سال ۲۸۸ ق بنی رسی که از اوایل این سده فعالیت‌های تبلیغی گسترده‌ای را آغاز کرده بودند، در یمن دولت شیعی تشکیل دادند. در سال ۲۹۳ ق در موصل مقدمات تشکیل دولت بنی حمدان که شیعه مذهب بودند فراهم شد. فعالیت‌های تبلیغی سازمان یافته فاطمیان که از میانه سده سوم هجری آغاز شده بود در اواخر این سده به نتیجه رسید و فاطمیان بر شمال افریقا غلبه یافتند و در پایان سده سوم شیعیان بر بخش وسیعی از سرزمین‌های اسلامی در شرق و غرب فرمانروایی یافتند و به تبلیغ تشیع پرداختند. با تشکیل دولت بویه‌یان در اوایل سده چهارم هجری و غلبه بر بغداد در سال ۳۳۴ ق و گسترش قلمرو فاطمیان از مغرب به مصر و شام

۱ - الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۴۸؛ ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۵۰.

۲ - بگریه به: ابن خلدون، تاریخ، ج ۳، ص ۵۰-۱۱۶.

۳ - بگریه به: الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۵۳۸.

در بیشتر سرزمینهای اسلامی دولتهای شیعی
تشکیل شد.

منابع و مأخذ

انتشارات روزبه، تهران ۱۳۶۰.
صدوق، عبود اخبار الرضا، ترجمه محمد قمی اصفهانی.
انتشارات علمیه اسلامیه، تهران ۱۳۶۴.
طبری، تاریخ الرسل و الملوک، شرکت انتشارات جهان،
تهران، افست از چاپ اروپا.
طوسی، اختیار معرفة الرجال، تصحیح حسن مصطفوی،
مشهد ۱۳۴۸.
فضل الله، محمد جواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا، ترجمه
سید محمد صادق عارف، بنیاد پژوهشهای اسلامی،
مشهد ۱۳۶۵.
فضیلت الشامی، تاریخ زبیده در قرن دوم و سوم هجری،
ترجمه سید محمد ثقفی - علی اکبر مهدی پور،
انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز ۱۳۶۷.
فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، انتشارات دانشگاه تهران،
چاپ سوم، تهران ۱۳۶۷.
کندی، ابی عمر محمد بن یوسف، تاریخ ولاة مصر، تحقیق
دکتر حسین نصار، دار صادر، بیروت ۱۳۷۹.
مجلسی، بحار الانوار، چاپ جدید.
مرتضی حسینی، جعفر، زندگی سیاسی هشتمین امام،
ترجمه سید خلیل خلیلیان، دفتر نشر فرهنگ
اسلامی، تهران ۱۳۶۶.
مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بنگاه
ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۷.
مصطفی شبیبی، همبستگی میان تصوف و تشیع، ترجمه و
تلخیص دکتر علی اکبر شهابی، انتشارات دانشگاه
تهران، ۱۳۵۴.
مظفر، محمد حسین، تاریخ شیعه، ترجمه دکتر سید محمد
باقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
۱۳۶۸.
مفید، ارشاد، انتشارات علمیه، تهران ۱۳۴۶.
ممتحن، حسینعلی، نهضت صاحب الزنج، انتشارات
دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۶۷.
نوبختی، فرق الشیعه، ترجمه و تعلیقات دکتر جواد
مشکور، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
۱۳۶۱.
یعقوبی، تاریخ، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، مرکز
انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۲.

ابراهیم حسن، حسن، تاریخ الاسلام سیاسی، دار احیاء
التراث العربی، چاپ هفتم، قاهره، ۱۹۶۴.
ابن اثیر، الکامل فی التاريخ، دار صادر، بیروت، بی تا.
ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، به اهتمام عباس اقبال
آشتیانی، تهران ۱۳۲۰.
ابن خلدون، تاریخ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، مؤسسه
مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۶.
ابن خلکان، وفيات الاعیان، تحقیق احسان عباس،
دارالنفاه، بیروت ۱۹۶۸.
ابن ندیم، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، انتشارات
کتابخانه ابن سینا، تهران ۱۳۴۳.
ادیب، عادل، زندگی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله
مشیری، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۶.
اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، ترجمه سید هاشم
رسولی محلاتی، کتابفروشی صدوق، تهران ۱۳۴۹.
بوسورت، کلیفورد ادmond، سلسله‌های اسلامی، ترجمه
فریدون بدره‌ای، مؤسسه مطالعات و تحقیقات
فرهنگی، تهران ۱۳۷۱.
جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، مرکز
چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۱.
جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، سازمان تبلیغات
اسلامی، تهران ۱۳۶۸.
حرانی، حسن بن علی بن حسین، تحف العقول،
کتابفروشی اسلامیه، تهران ۱۴۰۰.
حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج،
ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، انتشارات امیر کبیر،
تهران ۱۳۶۷.
حقیقت، عبدالرفیع، جنبش زبیده در ایران، انتشارات
فلسفه، تهران ۱۳۶۳.
شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگی امام حسن عسکری،
انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۱.
صدر، محمد باقر، فدک در تاریخ، ترجمه محمد عابدی،